

چهارشنبه ۵ شهریور ۱۴۰۴
۵ شماره ۴۴۹۲
ف ف
 FARHIKHTEGANDAILY.COM
 FARHIKHTEGANONLINE

ف ف
 ف

ف ف
 ف

ف ف
 ف

ف ف
 ف

ف ف
 ف

ف ف
 ف

ف ف
 ف

ف ف
 ف

ف ف
 ف

ف ف
 ف

ف ف
 ف

اسرائیل همزمان با تجاوز به سوریه می‌خواهد در توافق امنیتی هم از جولانی امتیاز بگیرد

فشار از پایین،فشار از بالا

ف ف
 ف

گفته می‌شود «ابو محمد الجولانی» عضو سابق القاعده داعش، رئیس کنونی جبهه موسوم به تحریر الشام و حاکم فعلی سوریه می‌خواهد در ماه سپتامبر در اجلاس سران شورای عمومی سازمان ملل با «بنیامین نتانیاهو»، نخست‌وزیر رژیم صهیونی دیدار کند. جالب آن‌که نه صهیونیست‌ها، بلکه جولانی بر اساس ذهنیات خود و اطرافیان‌ش درصدد برگزاری این دیدار هستند. صهیونیست‌ها از همان ابتدای روی کار آمدن جولانی، با بمباران مراکز اصلی نظامی سوریه مانع از دسترسی او به سلاح‌های راهبردی شدند و پس از آن با وجود تمایل‌ش برای ارتباط با تل آویو، بارها به او و حکومتش حمله نظامی و لفظی کردند. متحدهان جولانی از ترکیه گرفته تا عربستان و امارات نیز سیاستی مشابه او دارند. آن‌ها می‌خواهند رژیم صهیونی به کاسته شدن نفوذ محور مقاومت در شام و غیرنظامی شدن سوریه رضایت داده و مانع از بی‌ثباتی در منابع آن‌ها شود. علی‌رغم این ذهنیات که در آنکارا، ریاض، ابوظبی و دوحه جریان دارد، نگاه‌های دیگری در تل آویو، واشگتن و نیویورک حاکم است؛ نگاه‌هایی که به شکل شگفت‌آوری باعث شده رژیم صهیونی در برابر سخاوت جولانی و متحدانش در امتیازدهی و حتی همراهی آرام بگیرد. «اسعد الشیباتی»، وزیر امور خارجه حکومت جولانی که اخیراً بر پاریس باران در مر، وزیر امور استراتژیک رژیم صیونی دیدار کرده، بخشی از این مسئله را در یافته‌است. الشیباتی روز سه‌شنبه (۳ شهریور ۲۵، ۱۴۰۴ اوت ۲۰۲۵) در نشست فوق‌العاده وزرای امور خارجه کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی اعلام کرد رژیم صهیونی با ایجاد مراکز اطلاعاتی و پایگاه‌های نظامی در مناطق ممنوعه، در حال نقض توافق نامه جداسازی نیروهاست که در سال ۱۹۷۴ میان دو طرف امضا شده است. این اعتراض در شرایطی صورت می‌گیرد که پیش از این، حکومت جولانی نه تنها اعتراضی علنی به اقدامات صهیونیست‌ها نداشت، بلکه آن را به میان متحدانش هم نمی‌کشاند. آنچه پیش‌تر جریان داشت نادیده گرفتن اقدامات رژیم صهیونی و تلاش برای بهره‌گیری از ارتباط متحدهان برای اتصال به تل آویو بود. در همین حال جنوب سوریه همچنان آیین حوادث سخت است. «حکمت الهجری»، یکی از سه رهبر اصلی طایفه دروزی در استان سویداء با انتشار بیانیه‌ای خواستار تشکیل یک اقلیم مستقل دروزی در جنوب این کشور شده و در سویی دیگر چند گروه مسلح دروزی با کتاکر گذاشتن جریان‌های مخالف خود، گارد ملی راتحت فرمان او تأسیس کردند. تأسیس گارد ملی به عنوان شاخه مسلح یکپارچه، ارتباطی به سراسر سوریه ندارد، بلکه منظور از ملی بودن در این شاخه تأکید بر هویت دروزی سویدا و تلاش برای استقلال جنوب است.

همزمان با این تحوله، «یسرائیل کاتس»، وزیر جنگ رژیم صهیونیستی روز گذشته اعلام کرد: «در جبل‌الشیخ و منطقه امنیتی حائل برای محافظت از مرزهایمان در برابر هرگونه تهدید و حمایت از دروزی‌ها و دفاع از ساکنان جولان و الجلیل می‌مانیم.»

ف ف
 ف

ف ف
 ف

ف ف
 ف

افق تازه‌ای که در ماه‌های اخیر در روابط پاکستان و ایالات متحده به وجود آمده، توجهات بسیاری را به سوی خود جلب کرده است. پس از سال‌ها تنش و روابط پرفراز و نشیب، شکل‌گیری چنین روابط گرم و نزدیکی میان اسلام‌آباد و واشگتن تقریباً دور از انتظار بود، به ویژه آن‌که از پاکستان به عنوان یکی از مقصران اصلی شکست سیاسی-نظامی آمریکا در افغانستان نام برده می‌شد. اما اکنون در چهارمین سالگرد بازگشت طالبان و خروج نظامی فضاحت‌بار ایالات متحده از افغانستان، به نظر می‌رسد نه تنها نقش پررنگ پاکستان در این تحول عظیم به دست فراموشی سپرده شده، بلکه روابط میان مقامات دو کشور در حد اعلای دوستی و نزدیکی قرار گرفته است. مهمانی ناهار صمیمانه ترامپ برای ژنرال عاصم منیر، رئیس ستاد ارتش پاکستان، تعریف و تمجیدهای بی‌حدوخصر این دو از یکدیگر و در نهایت حمایت اسلام‌آباد از نامزدی ترامپ برای جایزه صلح نوبل، همگی به خوبی یو گای شکل‌گیری جریان جدیدی در ارتباطات میان دو کشور است.

در این میان، این نزدیکی غیر مترقبه میان اسلام‌آباد و واشگتن، بیش از همه برای هندی‌ها گران آمده است. در سال‌هایی که هند از رویکردهای سنتی عدم تعهد و توازن در روابط شرق و غرب تا حد زیادی فاصله گرفته و گرایش آشکار به سوی غرب و ایالات متحده نشان داده است، چنین تحولی در روابط پاکستان و آمریکا و البته در کنار آن، افزایش تنش‌های هند با ایالات متحده بر سر مسائل دیگری چون تعرفه‌ها، از یک سو سرخوردگی آشکاری را برای دهلوی نورقم زده و از سوی دیگر، سیاستمداران و تحلیلگران هندی را بر آن داشته است تا بیش به واکاوی و تفسیر تحولات به

ف ف
 ف

چند روز از ابلاغ قانون جدید مالیات بر سوداگری و سفته‌بازی می‌گذرد و اکنون نگاه‌ها به تأثیر این قانون بر مسیر سرمایه‌ها، زندگی روزمره مردم و اقتصاد کشور استست که با هدف کاهش فعالیت‌های سوداگرانه در بازارهایی مانند مسکن، خودرو، ارز و طلا تصویب شده و می‌کوشد منابع مالی که در معاملات کوتاه‌مدت و سوداگرانه گرفتار شده‌اند، به سمت تولید و سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد هدایت شود. هدف اصلی قانون کاهش انگیزه‌های سفته‌بازی و هدایت سرمایه‌ها به سمت فعالیت‌هایی با ارزش افزوده واقعی است اما پرسش کلیدی این است که اجرای این قانون چه تأثیری بر بازارها، زندگی اقتصادی مردم و ثبات اقتصاد کلان خواهد داشت.

کاهش جذابیت بازارهای غیرمولد

یکی از اولین اثرات ملموس قانون، کاهش جذابیت بازارهای غیر مولد در کوتاه‌مدت است. معاملات کوتاه‌مدت در بازار مسکن، خودرو، ارز و طلا همواره با سود سریع همراه بوده و باعث ایجاد حباب‌های قیمتی و نوسانات شدید شده‌اند. در بازار مسکن، اعمال مالیات بر خرید و فروش‌های سریع، انگیزه سرمایه‌گذاران سوداگر را کاهش داده و به آرامش نسبی قیمت‌ها کمک می‌کند. بازار خودرو نیز شاهد کاهش فعالیت‌های سفته‌بازانه خواهد بود و معاملات کوتاه‌مدت کهر بسکت‌ر و شفاف‌تر خواهد شد. در بازار ارز و طلا، محدودیت معاملات کوتاه‌مدت نوسانات قیمتی را کنترل می‌کند

صهیونیست‌ها و مخالفان داخلی حکومت جولانی در شرایطی در حومه پایتخت او تجمع کرده‌اند که وی تنها دارای چند هزار نیروی شبه نظامی با تجهیزات بسیار ضعیف است. اگر صهیونیست‌ها تصمیم بگیرند از طریق عوامل خود همان‌گونه که به جنوب دست یافتند به سمت دمشق حرکت کنند، اینبار با سقوط جولانی حاکم دیگری از سوریه رخت خواهد بست.

این تهدید از یک سو باعث شده تا جولانی در صدد تضمین گرفتن از صهیونیست‌ها برآید تا آن‌ها حکومتش را سرنگون نکنند و از سوی دیگر احتمالاتی در خصوص ایستادگی‌اش در برابر تل آویو بروز کرده است. مشی جولانی اما در نهایت روی خوشی به ایستادگی نشان نخواهد داد، بلکه احتمالاً با تضعیف بیش از پیش او در برابر رژیم صهیونی، سوریه دچار تحولات داخلی و به طور هم‌زمان علیه او تل آویو خواهد شد.

طرح وضعیت

برای فهم مشکل مسیری که جولانی و تعدادی دیگر از گروه‌ها و دولت‌ها در قبال رژیم صهیونی پیش گرفته‌اند، باید به تصویری کلی از پروژه‌ای که صهیونیست‌ها به آن سرعت داده‌اند دست یافت.

صهیونیست‌ها بنا به دلایل متعددی از جمله تغییرات در جهان و خارج شدن از نظام‌های دوقطبی و تک‌قطبی، دیگر قادر به باقی ماندن و انتظار در سرزمین کوچک کنونی خود نیستند. از این رو آن‌ها آرمان‌های قدیمی خود در توسعه‌طلبی ارضی را که باید در طولانی مدت به سمتش حرکت می‌کردند به روی میز آورده و با سرعت و بی‌محابا به سمتش در حال حرکت هستند.

در نظام دوقطبی، شوروی و آمریکا مانع بروز تهدید موجودیتی علیه رژیم صهیونی می‌شدند. در دوران تک‌قطبی آمریکا حامی اصلی آن‌ها بود.

با این حال در دوره جدید که در آن نظام چندقطبی شده و سطح مناطق نیز قدرت‌های منطقه‌ای متعددی ظهور می‌کنند، دیگر امنیت برای صهیونیست‌ها برقرار نیست.

حتی اگر قطب‌های جهان آینده حامی صهیونیست‌ها باشند، بدلیل روند تکثر قدرت و ظهور قدرت‌های منطقه‌ای مهیب، رژیم صهیونی در غرب آسیا آرامش نداشته و به دلیل محیط، جمعیت و منابع اندک خود درم شکسته خواهد شد. در نتیجه آن‌ها احساس می‌کنند دیگر زمانی برای اجرای آرمان‌های توسعه‌طلبانه خود ندارند و اگر به آن سبست حرکت نکنند باید طعم نابودی را بچشند. در این خصوص نکاتی وجود دارد.

۱- مساحت حکومت ادعایی «اسرائیل» بزرگ به فراتر از یک میلیون کیلومتر می‌رسد. تمام سرزمین فلسطین شامل سرزمین ۱،۹۴۸، کرانه باختری و نوار غزه به مساحت ۲۷ هزار کیلومتر مربع، لبنان با وسعت ۱۰ هزار کیلومتر مربع، اردن با ۸۹ هزار کیلومتر مربع، سوریه با ۱۸۵ هزار کیلومتر مربع، نیمی از خاک عراق با ۲۰۰ هزار کیلومتر مربع و یک‌سوم خاک مصر با ۳۰۰ هزار کیلومتر مربع و یک‌سوم خاک

ف ف
 ف

ف ف
 ف

وجود آمده در روابط اسلام‌آباد و واشگتن روی آورند. در همین راستا روزنامه معتبر ایندین اکسپرس هند، اخیراً مقاله‌ای به قلم دکتر «گاده امیراساد» بر وفسور مرکز مطالعات آسیای جنوبی دانشکده مطالعات بین الملل دانشگاه جواهر لعل نهرو، منتشر کرده است که در آن به بررسی دلایل و انگیزه‌های تحولات اخیر در روابط پاکستان و ایالات متحده و همچنین واکنش کشورهایی چون چین و هند در قبال آن، پرداخته شده است. در اینجا کوشیده‌ایم تا نکات برجسته‌ای از این تحلیل را مورد توجه قرار دهیم.

الگوی تعاملات سیاسی پاکستان و ایالات متحده

پروفسور «گاده امیراساد» تحلیل خود را از بررسی الگوی روابط دوجانبه پاکستان و ایالات متحده آغاز می‌کند. بر این اساس از دیدگاه وی تعاملات میان پاکستان و آمریکاطی سال‌های اخیر از یک الگوی ابزارگرانه و انگیزه‌های مبتنی بر اولویت‌های ژئوپلیتیکی، به جای ترجیحات پایدار و بلندمدت، پیروی کرده‌است. موقعیت پاکستان در طول جنگ سرد به عنوان حصاری در برابر نفوذ شوروی (سابق)، مجرای دیپلماتیک به سوی چین و خط مقدم حمایت از مجاهدین در برابر شوروی توصیف شده بود. پس از جنگ سرد هم این مبارزه با تروریسم بود که زمینه ارتباط هرچه بیشتر اسلام‌آباد و واشگتن را فراهم می‌کرد. در این چهارچوب به طور کلی می‌توان گفت اهمیت پاکستان با توجه به اولویت‌های منطقه‌ای ایالات متحده تعیین و دچار تغییر می‌شد. اما در مقام مقایسه، روابط پاکستان با چین روندی کاملاً متفاوت داشته و بر ثبات مشخص و درک قابلیت‌های استراتژیک که با وابستگی‌های متقابل ژئواستراتژیک و اقتصادی توصیف می‌شد، مکن بوده‌است. روابط پاکستان و چین در همه جوانب دیپلماتیک، اقتصادی، نظامی و تکنولوژیکی، از جمله هسته‌ای و دفاعی و کریدور اقتصادی چین و پاکستان (سی پک)، همسویی ساختاری و تداوم استراتژیک را نشان داده است. ای

ف ف
 ف

ف ف
 ف

ف ف
 ف

و اعتماد عمومی به بازارها را تقویت می‌کند. کاهش جذابیت معاملات سوداگرانه، تقویت ارزش پول ملی و پیش‌بینی پذیرش شدن اقتصاد را نیز به همراه دارد. با خروج بخشی از سرمایه‌ها از مسیرهای غیرمولد، فشار بر بازار ارز کاهش می‌یابد و شرایط اقتصادی برای مردم و افراد باالان قابل پیش‌بینی‌تر می‌شود.

هدایت سرمایه‌ها به سمت تولید

اثر واقعی قانون، در بلندمدت و بر اقتصاد واقعی خود را نشان می‌دهد. کاهش جذابیت بازارهای غیر مولد باعث می‌شود سرمایه‌ها به سمت بخش‌های مولد اقتصاد، مانند تولید، فناوری، انرژی و خدمات هدایت شوند. این روند نه تنها رشد تولید ناخالص داخلی را تقویت می‌کند، بلکه فرصت‌های شغلی جدید ایجاد کرده و کیفیت زیرساخت‌ها را ارتقا می‌دهد. سرمایه‌هایی که پیش‌تر در معاملات کوتاه‌مدت مسکن یا خودرو صرف می‌شد، اکنون می‌توانند وارد پروژه‌های ساختمانی بزرگ، صنایع کوچک و متوسط یا توسعه فناوری شوند. این اقدام باعث می‌شود سرمایه‌ها ارزش افزوده واقعی ایجاد کنند و اقتصاد کشور رقابت‌پذیرتر شود. همچنین دولت می‌تواند با کاهش فعالیت‌های سوداگرانه، منابع مالی خود را به پروژه‌های زیرساختی و توسعه‌ای اختصاص دهد. توسعه حمل و نقل، شبکه برق، انرژی‌های تجدیدپذیر و صنایع تبدیلی زمینه‌هایی هستند که با سرمایه‌گذاری هدفمند، رشد اقتصادی ملموس و رفاه عمومی را به همراه خواهند داشت.

تأثیر مالیات بر رفتار سرمایه‌گذاران

یکی از محورهای اصلی قانون، مالیات بر سود سرمایه است، حتی سطح مالیات

اسرائیل همزمان با تجاوز به سوریه می‌خواهد در توافق امنیتی هم از جولانی امتیاز بگیرد

عربستان سعودی با ۷۰۰ هزار کیلومتر مربع بخشی از سرزمین‌های اصلی مورد ادعای صهیونیست‌ها بر اساس شعار «از نیل تا فارت» هستند که منجر به تشکیل «اسرائیل بزرگ» می‌شود. در مجموع و وسعت این حکومت ادعایی به ۱/۵ میلیون کیلومتر مربع می‌رسد. تقریباً برابر با ایران، ۳ برابر کشورهای اسپانیا و یمن و نیمی از وسعت هند است.

صهیونیست‌ها برای رسیدن به این وسعت باید دولت‌ها و ملت‌های لبنان، سوریه و اردن را به طور کامل منهدم کرده و بخش‌های مهمی از خاک عراق، مصر و عربستان سعودی را تجزیه کنند که در نهایت باعث آوارگی و تضعیف شدید دولت آن‌ها خواهد شد.

۲- به نظر می‌رسد تجزیه و کانون‌سازی در منطقه هدف نهایی صهیونیست‌ها نیست، بلکه گامی در راستای هدف تشکیل اسرائیل بزرگ و تسلط مستقیم بر نواحی مورد ادعاست. بر این مبنا رژیم صهیونی از تشکیل کشور کردی در شمال عراق و حکومت‌های مستقل یا خودمختار اقلیت‌ها مانند علو یان در ساحل و دروزی‌ها در جنوب سوریه حمایت می‌کند، اما هدف نهایی آن اجرای یک نمایش است به این شکل که با ادعای تعلق جنوب به دروزی‌ها و منطقه ساحل به علوی‌ها، دیگر اقوام و جمعیت‌ها را از سوریه خواهد راند.

در نتیجه جمعیت‌های معدودی در محدوده ادعایی اسرائیل بزرگ باقی می‌مانند و به جهان گفته می‌شود که آن سرزمین‌ها متعلق به اقوامی خاص بوده است. با اخراج جمعیتی عظیم از منطقه، آوارگان به ایران، ترکیه و عربستان سعودی هجوم خواهند آورد. صهیونیست‌ها در این طرح در حالی به وسعت ۱/۵ میلیون کیلومتر می‌رسند که دیگر در آن‌ها خبری از جمعیت دهه‌های میلیون نفری نیست، بلکه صرفاً چند میلیون از اقلیت‌ها و مذاهب در آن برای حفظ ظاهر و ایجاد توجیه برای اخراج دیگران باقی مانده‌اند. این اقلیت‌ها نیز در ادامه با امتیازات مهاجرتی به آمریکا، اروپا و کشورهای مهاجرپذیر در آمریکا جنوبی، کانادا و استرالیا فرستاده خواهند شد؛ جایی که هم اکنون نیز جمعیت‌های قابل توجهی از این اقلیت‌ها در آن‌ها حضور دارند.

۳- غرب و صهیونیست‌ها بی‌توقف به دنبال دست یافتن کامل به منافع انرژی هستند. آمریکادگتری پخری است و تسلط آن بر منابع دولت‌های غربی حاشیه‌جویی خلیج فارس از گذشته وجود داشته است، اما قدرت‌هایی مانند عراق و سوریه عمده‌تأ به میزان این دولت‌ها تحت نفوذ پایدار آمریکا قرار نگرفته‌اند. این مسئله از عراق که توسط آمریکا اشغال شد مشهود است. عراق اشغال شده هیچ‌گاه برای آمریکایی‌ها همانند عربستان سعودی درآمد نداشت.

منابع عظیم انرژی در غرب عراق و شرق سوریه به عنوان منابع بکر و بهره‌برداری نشده موجودند که در صورت بهره‌برداری با تولیدات دولت‌های خلیج فارس برابری می‌کنند. رژیم صهیونی قصد دارد از پروژه چندین دهه‌ای خود و غرب در تضعیف و ویرانی دولت‌های این محدوده بهره گرفته و کار را نهایی کند؛ چه اینکه شرایط به گونه‌ای پیش رفته که اگر صهیونیست‌ها قادر به تحرک نباشند، کار خودشان در منطقه یکسره می‌شود زیرا آن‌ها تنها نیرویی نیستند که در پی تسلط و کنترل این

ف ف
 ف

ف ف
 ف

ف ف
 ف

۱- **دلایل اهمیت ارتقای روابط با ایالات متحده**
استادیار دانشگاه جواهر لعل نهرو در تحلیل خود برای روزنامه ایندین اکسپرس، دلایل اهمیت بهبود روابط ایالات متحده را از منظر پاکستان این گونه بر می‌شمارد: نیاز پاکستان به نفوذ ایالات متحده در نهادهای بین‌المللی مالی و نقش حیاتی آن برای اقتصاد بحران‌زده و گرفتار بدهی این کشور، لزوم همکاری با واشگتن در مبارزه با تروریسم و تبادل اطلاعات، تعادل بخشی به روابط یکجانبه با چین، جذب سرمایه خارجی و سرمایه‌گذاری در حوزه‌های فناوری، انرژی، مواد معدنی و از همه این‌ها مهم‌تر آن، دسترسی به افغانستان و ایران است و نگرانی نسبت به زرادخانه‌های هسته‌ای پاکستان در شرایط تهدیدات منطقه‌ای و در نهایت متعادل‌سازی نفوذ فرایند چین در منطقه. بنابراین آشنی ایالات متحده با پاکستان را نه مبتنی بر اعتماد و ایجاد اتحاد، بلکه باید به عنوان یک راهبرد معامله‌ای و حساب‌بسته تلقی کرد.

انگیزه‌های آمریکا برای بهبود روابط با پاکستان

اماد طرف مقابل، واشگتن نیز انگیزه‌های خود را در گسترش روابط با پاکستان دارد؛ این که پاکستان همچنان یک دارایی مهم ژئوپلیتیکی و استراتژیک برای آمریکا باقی می‌ماند، پایگاهی ضروری برای تعاملات در آسیای مرکزی، آسیای غربی، آسیای جنوبی و شبه‌جزیره عربستان، به‌خصوص برای مبارزه با تروریسم، ثبات منطقه‌ای و مهم‌تر از آن، دسترسی به افغانستان و ایران است و نگرانی نسبت به زرادخانه‌های هسته‌ای پاکستان در شرایط تهدیدات منطقه‌ای و در نهایت متعادل‌سازی نفوذ فرایند چین در منطقه. بنابراین آشنی ایالات متحده با پاکستان را نه مبتنی بر اعتماد و ایجاد اتحاد، بلکه باید به عنوان یک راهبرد معامله‌ای و حساب‌بسته تلقی کرد.

مواضع چینی‌ها در قبال این تحولات

از نظر تحلیلگر روزنامه ایندین اکسپرس چین نگرانی از زبات نزدیکی روابط ایالات

ف ف
 ف

ف ف
 ف

ف ف
 ف

متوسط می‌تواند اثر روانی و اقتصادی قابل توجهی بر رفتار سرمایه‌گذاران داشته باشد. کاهش جذابیت معاملات کوتاه‌مدت باعث می‌شود سرمایه‌گذاران منابع خود را در فعالیت‌های پایدار و مولد به کار گیرند. با این رویکرد، سرمایه‌ها از مسیرهای سوداگرانه خارج شده و به سمت پروژه‌های واقعی و بلندمدت هدایت می‌شوند. سرمایه‌گذاران کوچک و متوسط نیز به جای ورود به معاملات کوتاه‌مدت و پرریسک، فرصت‌های مولد اقتصادی را انتخاب خواهند کرد؛ روندی که به تقویت اقتصاد واقعی کشور و رفاه عمومی کمک می‌کند.

چالش‌ها و ضرورت نظارت

با این حال، اجرای قانون بدون چالش نیست. شناسایی دقیق معاملات مشمول مالیات بزرگ‌ترین مانع است. در بازار مسکن و خودرو، برخی افراد ممکن است با روش‌های صوری با استفاده از واسطه‌ها از پرداخت مالیات خودداری کنند. بدون شفافیت، اراده قوی و مدیریت هوشمندانه، اثرات مثبت قانون محدود خواهد شد. حتی ممکن است سرمایه‌ها دوباره به مسیرهای سوداگرانه بازگردند. منابع‌های هوشمند و نظارت دقیق، کلید موفقیت این سیاست اقتصادی هستند.

اثرات بر اقتصاد کلان و زندگی مردم

اجرای موفق قانون مالیات بر سوداگری می‌تواند اثرات گسترده‌ای بر اقتصاد کلان و زندگی روزمره مردم داشته باشد:

– کنترل نوسانات و تورم: کاهش فعالیت‌های سوداگرانه باعث می‌شود قیمت‌ها آرام‌تر و پیش‌بینی‌پذیرتر شوند.

محدوده برآمده‌اند.

اگر صهیونیست‌ها به نیابت از صهیونیسم بین‌الملل و آمریکا بر این منابع دست یابند، کنترل مستقیم انرژی اروپا، هند، چین، ژاپن، کره جنوبی و دیگر کشورهای مهم مصرف‌کننده را در دست گرفته و با اعمال سیاست‌های انرژی می‌توانند روسیه، دولت‌های حاشیه جنوبی خلیج فارس و دیگر صادرکنندگان انرژی را وادار به همکاری با خود کنند.

۴- مسئله دیگر برای رژیم صهیونی دسترسی به کریدورهای اقتصادی است که در عصر کنونی مباحث آن شدت گرفته است. هر چند طرح کریدور آی‌مک برای اتصال منطقه به فلسطین اشغالی وجود داشت، اما عملاً صهیونیست‌ها در محیط ۲۷ هزار کیلومتری سرزمین‌های اشغالی قادر به جای‌دادن جمعیت انبوه و تأسیسات زیرساختی جدید نیستند. از سوی دیگر تأمین امنیت مسیر نیز مشکل دیگری است. از این رو مشخص است که حتی اگر طرح آی‌مک با همکاری دولت‌ها شاهد ساخت زیرساخت‌های کالنی می‌شد، در نهایت و در برهه‌ای خاص صهیونیست‌ها با تهاجم نظامی و تصرف سرزمینی صاحب این زیرساخت‌ها می‌شدند.

مشکل جولانی

جولانی با طرح ادعایی اسرائیل بزرگ ر و به و است که با هیچ حکومت دولتی هر چه که باشد، شوخی ندارد. از این دو مسیر عقب‌نشینی و سازش باعث مهار توسعه‌طلبی رژیم نمی‌شود. در این خصوص دو الگو وجود دارد؛ مقاومت و سازش. لبنان علی‌رغم وسعت و جمعیت کمتر موفق شد رژیم صهیونی را در جنگ سال ۲۰۲۴ به طور موقت وادار به آتش بس سازد. صهیونیست‌ها تنها حضور خود در پنج نقطه جنوب را حفظ کرده‌اند که می‌بایست بر اساس توافق آتش بس آن‌ها را ترک می‌کردند اما وقایع منجر به سقوط سوریه باعث حفظ این مواضع شد.

تقریباً هم‌زمان با لبنان، سوریه تحت زعامت جولانی با الگوی متفاوتی با تهدید رژیم صهیونی برخورد کرد. صهیونیست‌ها در جنوب سوریه به دست به پیشروی زدند، در حالی که حکومت جولانی تلاش داشت از طریق حامیانش با آن به توافق برسیده، صهیونیست‌ها را وادار به خروج یا حداقل توقف پیشروی خزنه کند. با این حال نه تنها صهیونیست‌ها خود به طور مستقیم برخی نواحی را اشغال کردند، بلکه باندخالت در قضایای استستان دروزی نشین سویدا در حال جداسازی اداره امور آن از دمشق هستند؛ تقریباً با فاصله با این تحولات و دسترسی صهیونیست‌ها بکریدور داوود به مناطق کرذشین سوریه، این مناطق نیز در برابر جولانی دست‌بالا خواهند یافت. لبنان با ظرفیت کمتر با مقاومت مانع از توسعه ارضی شد اما جولانی نه تنها با پیشنهاد سازش، بلکه با پیشنهاد همکاری علیه محور مقاومت نتوانست نظر صهیونیست‌ها را جلب کند. تل آویو امروز برای هیچ معامله‌ای ارزش قائل نیست و صرفاً به دنبال توسعه سریع سرزمین‌های اشغالی است.

ف ف
 ف

ف ف
 ف

ف ف
 ف

متحدوه پاکستان نخواهد داشت. البته مادامی که به روابط چین و پاکستان آسیبی وارد نشود. درواقع چین خواهان تعامل بیشتر ایالات متحده و پاکستان است؛ چراکه این تعامل می‌تواند اقتصاد این کشور را تثبیت کند، از نژای سیاسی پاکستان را کاهش دهد و به طور غیرمستقیم به سرمایه‌گذاری‌های چین به و یزود، منطقه آنشویزد بلوچستان کمک کند. این انتظارات چین